

## مطالعه تطبیقی تربیت اخلاقی کشورهای ایران، چین و آمریکا در عصر معاصر در آموزش عالی

<sup>۱</sup> حسن ملکی

<sup>۲</sup> ذکیا عباسی

<sup>۳</sup> عباس عباسپور

<sup>۴</sup> سعید بهشتی

### چکیده

اخلاق یکی از مؤلفه‌های اصلی دوام و قوام جوامع بشری است و استحکام نظام اخلاقی هر جامعه، وابسته به نظام ارزشی حاکم بر آن است. هدف از تحقیق حاضر بررسی رویکردهای تربیت اخلاقی در سه کشور ایران، آمریکا و چین به‌طور کلی و در آموزش عالی است.

روش تحقیق این پژوهش کیفی و از نوع پیمایش تطبیقی است و داده‌های موردنیاز از طریق اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، گزارش‌های تحقیقی و جستجو در شبکه جهانی اینترنت به‌دست آمده است و با استفاده از الگوی بردی که چهار مرحله توصیف، تفسیر، هم‌جواری و مقایسه را در مطالعات تطبیقی مشخص می‌کند؛ پس از بیان واقعیت‌های تربیت اخلاقی نقدوار به نقاط اشتراک و افتراق و نقاط ضعف و قوت هر کشور در این زمینه می‌پردازد. بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد تمامی رویکردها به‌نوعی از مذهب یا دین رایج هر کشور نشأت می‌گیرد و مراحل رشد اخلاقی در رویکردهای غیر اسلامی بخصوص رویکرد شناختی ثابت و بدون تغییر هستند حال آنکه اسلام قوانین و احکام اخلاقی را مطلق و واقعی می‌داند و به‌جز اسلام سایر رویکردها تنها به یک جنبه خاصی از تربیت اخلاقی تأکید می‌کنند.

### واژگان کلیدی

تربیت اخلاقی، آموزش عالی، رویکرد شناختی، اسلام، کمونیسم

Email: malaki\_cu@yahoo.com

Email: zk.abasi@chmail.ir

Email: abbaspour1386@gmail.com

Email: beheshti@atu.ac

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۲/۱۸

۱ استاد دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسؤل)

۲ دانشجوی دوره دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبائی

۳ استاد دانشگاه علامه طباطبائی

۴ استاد دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۶

## مقدمه

یکی از مسائل مهم تعلیم و تربیت در عصر حاضر، مسئله تربیت اخلاقی است؛ زیرا کاربرد اخلاق در همه علوم و اعمال، بدیهی است؛ و چنانچه اخلاق نباشد، علمی که انسان فرامی‌گیرد اولاً در فراگیری آن آلوده خواهد شد و ثانیاً در کاربرد آن نیز موفق نخواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸).

بدین‌سان عصر حاضر، عصر بحران‌ها و چالش‌های بنیان افکن، انسان به‌منظور رسیدن به تعادل روانی و دوری از خطرات فردی و اجتماعی چاره‌ای جز روی‌آوری به اخلاق و تربیت اخلاقی ندارد. اخلاق و تربیت اخلاقی، یکی از ارکان اساسی فرهنگ بشر را تشکیل می‌دهد و به همین سبب این موضوع از دیرباز موردتوجه پژوهشگران قرار گرفته است. تجربه بشر نشان می‌دهد که انسان هیچ‌گاه حتی در دوره مدرن و پسا مدرن هم بی‌نیاز از اخلاق و تربیت اخلاقی نیست (میر شاه جعفری، کلباسی، ۱۳۸۸: ۱۷۳)؛ اما با توجه به اینکه بشر امروزی در عرصه‌های گوناگون به‌ویژه در حیطة علم فن‌آوری به موفقیت‌های چشم‌گیری دست‌یافته است در مقوله اخلاق و تربیت اخلاقی با چالش‌ها و مشکلات زیادی روبه‌روست، وجود مسائل و مشکلات متفاوت غیراخلاقی و غیرانسانی در جوامع بشری به‌مثابه بحران‌های زیست‌محیطی، افزایش فقر و بی‌عدالتی، تبهکاری و... شرایط را به‌گونه‌ای رقم‌زده‌اند که در عصر حاضر پرداختن به اخلاق و اعتلای آن بیش از هر چیز دیگری نیاز محسوب می‌شود، بنابراین توجه به رویکردها و اندیشه‌های مختلف به‌منظور حل مسائل به امری لازم و ضروری تبدیل شده است؛ اما آنچه در امر اخلاق مهم است، توجه به رویکردهای درست آموزش اخلاق است؛ زیرا بسیاری از تردیدها و ابهاماتی که نسبت به اخلاق وجود دارد، لزوماً به خاطر ضرورت و اهمیت آن نیست؛ چراکه در این مورد توافق نظری در بین متخصصان وجود دارد، بلکه آنچه جای تردید دارد رویکردهای مختلف است (سجادی، ۱۳۷۹)؛ بنابراین با توجه به اینکه تربیت اخلاقی یکی از مهم‌ترین برنامه‌های تربیتی انسان محسوب می‌گردد که فطریات نهفته علمی و عملی اخلاقی در درون انسان را آشکار و نمایان می‌سازد و چه‌بسا سعادت دنیوی و اخروی برای فرد به ارمغان می‌آورد. به‌منظور بهره‌گیری از تجارب مختلف، مطالعه تطبیقی رویکردهای کشورها و بیان نقاط ضعف و قوت هر کدام در زمینه تربیت اخلاقی ما را به سرمنزل مقصود راهنمایی خواهد فرمود؛ اما با توجه به اینکه رویکردهای مختلفی برای تربیت اخلاقی در سراسر جهان وجود دارد و هر کدام اخلاق را از فلسفه و نگاه خود تعریف می‌کنند و رویه‌های خاصی را برای آن ارائه می‌دهند، از این‌رو یک مدل و رویه خاص و روشنی در این زمینه ارائه نشده است؛ بنابراین هر یک از رویکردها در سامان‌دهی بخشی از زندگی بشر نقش دارند و هیچ‌یک نتوانسته‌اند به تمام زوایای آدمی به‌صورت یکجا توجه کنند؛ نابسامانی‌ها و سردرگمی‌های بشر امروز نمونه‌ای از این آشفتگی‌هاست.

در نتیجه، راجع به اخلاق در آموزش عالی، موضع‌گیری‌های مختلفی اتخاذ می‌گردد و

روش‌های متفاوتی به کار گرفته می‌شود؛ بعضی به روش‌های خاص سنتی برمی‌گردند، بعضی دیگر روش‌های بسیار پیشرفته را برمی‌گزینند و برخی دیگر به دلیل نبود رویکردی کاملاً یکپارچه در سردرگمی به سر می‌برند.

به‌زعم متخصصان تربیتی ایران، گرچه تلاش فراوان در جهت توسعه اخلاق شده است، خلأهای بسیاری در زمینه انحرافات اخلاقی در رفتار نسل جوان ما دیده می‌شود؛ که نشان می‌دهد ما در اجرای روش‌های درست تربیت اخلاقی چندان موفق نبودیم (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۳). آرمند به نقل از اکسپرس (۱۹۹۹) می‌گوید: انحرافات اخلاقی در قشر تحصیل‌کرده و جوانان دانشگاهی رو به افزایش است (آرمند، ۱۳۸۷).

در راستای اصلاح این کاستی‌ها در پژوهش حاضر با تبیین و ارزیابی روش‌ها و رویکردهای معاصر تربیت اخلاقی هر کشور از نظر تشابهات و اختلافات و بررسی نقاط ضعف و قوت هر کدام، سعی بر این است تا گام مؤثری در جهت حل معضلات مربوط به تربیت اخلاقی در آموزش عالی برداشته شود.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر یک پیمایش تطبیقی است و داده‌های موردنیاز آن برای پاسخگویی به پرسش‌ها از طریق اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و گزارش‌های تحقیقی و جستجو در شبکه جهانی اینترنت مرتبط مانند ۱ گوگل اسکولار<sup>۱</sup>، ۲ پروکوئست<sup>۲</sup>، ۳ ساینس دایرکت<sup>۳</sup>، ۴ مجلات داخلی نور و مگ ایران، ۵ سراج‌های آموزش عالی کشورهای مورد مطالعه و... گردآوری شده است. الگوی مورد استفاده در این زمینه الگوی بردی است که چهار مرحله توصیف تفسیر هم‌جواری و مقایسه را در مطالعات تطبیقی مشخص می‌کند. بر اساس این الگو ابتدا اطلاعات موردنیاز درباره رویکردها از منابع معتبر گردآوری و تفسیر شده‌اند، سپس طبقه‌بندی و در مرحله آخر تفاوت‌ها و تشابهات مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند؛ و با آموزش عالی کشورهای مورد مطالعه تطبیق داده شده‌اند؛ و نقاط ضعف و قوت هر کشور مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت و در نهایت پیشنهادها و راهکارهای عملی ارائه گردید. جامعه مورد مطالعه این تحقیق از میان شش کشور ژاپن، آلمان، کانادا، ایالات متحده آمریکا، چین و ایران انتخاب شده است که از میان این کشورها محقق سه کشور ایران، چین و آمریکا را برای این مطالعه برگزیده است. این سه کشور در زمینه فعالیت‌های مربوط به تربیت اخلاقی از جمله کشورهای پیشرو بوده. نگاهی به پژوهش‌های

1. google scholar
2. proquest
3. sciencedirect

انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که توجه به رویکردهای مختلف اخلاقی همگام با تحولات جهانی در عصری که عصر دانایی و فناوری اطلاعات نامیده شده، از مهم‌ترین بحث‌هایی است که توجه صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است؛ بنابراین تحقیق حاضر درصدد است با پاسخگویی به سؤالات ذیل نیازهای عصر جدید را نیز بر آورده نماید.

کشورهای مورد مطالعه در عصر حاضر چه رویکردی نسبت به تربیت اخلاقی دارند. چه تشابهات و تفاوت‌هایی در رویکردهای تربیت اخلاقی در کشورهای مورد مطالعه وجود دارد.

نقاط قوت و ضعف کشورهای مورد مطالعه در زمینه تربیت اخلاقی در آموزش عالی کدام است.

با توجه به تجارب کشورهای مورد مطالعه چه پیشنهادها و راهکارهای عملی را می‌توان برای بهبود تربیت اخلاقی در آموزش عالی ارائه داد.  
\* حال با توجه به

### رویکرد معاصر آمریکا نسبت به تربیت اخلاقی

در ایالات متحده آمریکا از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ علاقه زیادی به تربیت اخلاقی ایجاد شد که بیشتر به عادات خوب تکیه می‌کرد، حتی جان دیویی آن را به عنوان عادات متقابل تعریف کرد؛ اما در آستانه جنگ دوم جهانی این مورد رو به افول رفت و یک خلاء در تربیت مثبت جوانان به وجود آمد؛ اما با تحولات سیاسی، اجتماعی سال ۱۹۶۰ دوباره این چالش به وجود آمد که یکی از مواردی که می‌تواند پاسخگوی نیازهای اجتماعی جوانان باشد؛ تربیت اخلاقی است (آلدوف و برکویتز، ۲۰۰۶: ۵۰۲).

در عصر حاضر، در غرب واژه تربیت اخلاقی به شدت از روان‌شناسی شناختی تأثیر گرفته است؛ مبنای این رویکرد به جنبه‌های ذهنی اخلاق و ارزش‌ها تأکید می‌کند و بر گفته از نظریات پیازنه<sup>۲</sup> (۱۹۶۵) و لورنس کهلبرگ<sup>۳</sup> (۱۹۷۶-۱۹۷۱) است و تحت تأثیر نظریه‌های فلسفی و روان‌شناختی سکولار و نسبیست‌گرا پدید آمد. به زعم متفکران شناخت‌گرا تربیت اخلاقی تلاشی است در جهت توسعه ساختارهای شناختی اخلاق.

رویکرد شناختی، ایده‌های سنتی در مورد رشد، انگیزه و رفتار اخلاقی را به چالش کشیده و برخلاف دیدگاه سنتی غرب که اخلاق را تابع فرهنگ می‌داند (جهانگیر زاده، ۱۳۹۰) می‌گوید:

1. Althof, Berkowitz
2. piaget
3. lawrence kohlberg

التزام به قوانین اجتماعی اصل اساسی رشد اخلاقی است؛ پس همه اصول جهانی، شامل مفهومی از عدالت است؛ عدالت به این معنی است که ما به راه‌حلی برسیم که هر کس آن را مناسب بیابد و راه‌حل مناسب هنگامی به دست می‌آید که هر کس بی‌طرفانه خود را به‌جای دیگران فرض کند (کهلبرگ، ۱۹۸۰). در حقیقت در آمریکا تربیت اخلاقی به‌عنوان یک اصل مدنی است که از جامعه گرفته می‌شود اما باوجود این مطالعات نشان می‌دهد که بین مذهب و تربیت اخلاق در آمریکا رابطه قوی وجود دارد، به‌طور مثال روش حزب محافظه‌کار با حزب لیبرال (که به آزادی فردی، عقلانیت پایا و تساوی حیثیت و حرمت) قائل است؛ در آموزش اخلاقی بسیار متفاوت است. حزب لیبرال، اعتقادی به دخالت نظام آموزشی در امور دینی ندارد. اخلاقیات لیبرالی اساساً وابسته به امیال و تمنیات انسانی است؛ زیرا به اعتقاد لیبرال‌ها خردمندان‌ترین و واقع‌گرایانه‌ترین شیوه، قبول این مطلب است که هر کس آنچه را دوست دارد «خوب» و از آنچه متنفر است «بد» می‌نامد. در نتیجه به ارزش‌هایی چون آزادی فردی، خود شکوفایی فردی در تربیت اخلاقی، بی‌طرفی و تساهل نسبت به ارزش‌های دینی و در یک کلمه، تحقق سکولاریسم تأکید دارد.

بنابراین بر اساس رویکرد آموزشی لیبرال، تعلیم و تربیت، تعهد به عقلانیت است، نه کمتر و نه بیشتر. برای آموزش و رشد عقلانیت در کودکان، باید آن‌ها را منتقد و آزاداندیش بار آورد؛ به‌گونه‌ای که هر عقیده‌ای را انتقاد و تحول عقلانی بدانند و هیچ امری را حقیقت آخر نپندارند. بر اساس این رویکرد، انتقال و القای ارزش‌ها به دیگران در مبانی تعلیم و تربیت لیبرال پذیرفته نیست؛ و تربیت اخلاقی تنها باید درصدد رشد استدلال اخلاقی و قدرت انتخاب باشد و هرگز به معرفی ارزش‌های معینی به‌عنوان فضایل اخلاقی نپردازد (زارعان، ۱۳۹۱: ۱۲).

در این زمینه کهلبرگ می‌گوید: رشد فردی ممکن است به دنبال یک نوع بینش یا درک کلی فراتر از قضاوت اخلاقی و رفاه اجتماعی حاصل گردد (جرمی، ۲۰۰۰).

اما از آنجایی که تربیت شهروند یکی از وظایف اصلی برنامه درسی مطالعات اجتماعی به‌تنهایی یا مجموعه‌ای از دروس در آمریکا است، تربیت اخلاق بخش جدای ناپذیر آموزش‌های دانشگاهی هست (باند، ۲۰۰۳). و حتی سیاستمدارانی همچون ویلیام کلینتون و جورج دبلیو بوش در زمان ریاست جمهوری خویش به این مهم تأکید کرده و می‌گویند تربیت اخلاق بایستی منجر به شکل‌گیری یک شهروند خوب گردد (تربیت اخلاقی، ۲۰۱۶) چراکه در این دیدگاه فرد یک عنصر فعالی است که به‌طور مستمر به ساختاربخشی و تجدید ساختار تفکر خود مشغول است (میلر، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

در سراسر دنیا دانشگاه‌ها نقش بسزایی در پرورش و شکل‌گیری شخصیت دانشجویان دارند. طبیعی است شخصیت دانشجو متأثر از فضای دانشگاه و جو حاکم بر آن خواهد بود. یکی از

بزرگ‌ترین چالش‌های آموزش عالی تحقق بخشیدن به تربیت اخلاقی با ظهور رفتارهای نادرست علمی است (فریسی، ۲۰۱۳). هچینگر<sup>۲</sup> (۱۹۸۱) می‌گوید: بعد از اینکه اثر کلیسا و مذهب در رشد اخلاق کم شد دانشگاه‌ها اثر مثبتی در این زمینه داشته‌اند (دیورا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳) در ابتدا دانشگاه‌ها در ایالت متحده آمریکا، با یک هدف خاص تربیت اخلاقی، ایجاد شده بود که عبارت بود از توسعه شخصیت افراد و بعد از آن برنامه درسی آموزش عالی شامل برنامه‌های تخصصی‌تر در حوزه خودسازی و رشد اخلاقی شده‌اند (اسلون<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰).

### رویکرد معاصر چین نسبت به تربیت اخلاقی

انتقال و تربیت اخلاق در آسیا به فرم‌های مختلفی انجام می‌گیرد. در ژاپن تربیت اخلاقی از طریق آموزش مستقیم و فعالیت‌های آموزشی و دانشگاهی خاص انجام می‌گیرد و بسیار مهم تلقی می‌شود و هدف اساسی آن حفظ و توسعه فرهنگ سنتی که منعکس‌کننده ارزش‌های دینی است، می‌باشد. در این زمینه بین خانواده و محیط‌های آموزشی یک ارتباط تنگاتنگی وجود دارد (ایکوموتو<sup>۵</sup>، ۱۹۹۰) و پرورش روح خیرخواهی نگرانی اصلی و هدف و نهایی آموزش اخلاقی در ژاپن است، چراکه در جهان امروز ما در شبکه‌ی جامعی از وابستگی متقابل زندگی می‌کنیم و نگرش اساسی ما در روح خیرخواهی است که ما را تشویق به ارتباط می‌کند (ناکامایا<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲).

در چین تربیت اخلاقی مشابه کشور ژاپن است و به‌عنوان بخش اساسی تعلیم و تربیت محسوب می‌گردد؛ و به رابطه سالم بین انسان و محیط طبیعی اشاره می‌کند و تحقیقات دانشگاهی حاکی از آن است که تربیت اخلاقی شامل سه رابطه است؛ رابطه شخصی، اجتماعی و زیست‌محیطی و بیان می‌کند که از طریق هنجارهای تربیت اخلاقی می‌توان روابط شخصی (فردی)، اجتماعی و زیست‌محیطی را در جوانان تنظیم و متعادل نمود؛ بنابراین هدف از تربیت اخلاقی در این کشور دو چیز است نیازهای اجتماعی و نیازهای فردی در زمینه نیازهای فردی تربیت اخلاقی باید به افراد کمک کند تا نیازهای شخصی خود را شناسایی کنند و درصدد برآورده کردن آن کوشش کنند.

اما آنچه تربیت اخلاقی چین از آن نشأت می‌گیرد آیین کنفوسیوس و روان‌شناسی معنوی است. آیین کنفوسیوس همواره مهم‌ترین منبع معنوی الهام اخلاقی بوده است؛ و می‌گوید «هرگاه من راه را در صبح یافتم، محتوا را در عصر می‌دانم»؛ در اصطلاح مدرن راه به معنای حقیقت

1. Faresi
2. hachinger
3. Deborah
4. Sloan
5. Ikemoto
6. Nakayama

است. از نظر کنفوسیوس برخی فضایل اخلاقی عبارت‌اند از خیرخواهی، سخاوت، مهربانی، صرفه‌جویی، پشتکار و... اما روان‌شناسی معنوی که برگرفته از روان‌پزشکی کانادایی است، نظر متخصصین اخلاقی چین را به خود جمع کرده است، بر اساس روان‌شناسی مدرن وقتی مردم با محرک‌های محیطی منفی روبرو می‌شوند ممکن است به مشکلات عاطفی و حتی بیماری‌های روانی مبتلا شوند و در مواقعی از داروهای ضدافسردگی برای بهبود و برگشت به زندگی کمک می‌گیرند، اما روان‌شناسی معنوی کمک می‌کند تا افراد در تماس با معنویات ظرفیت خود را جهت رشد اخلاق افزایش دهند (زینگانگ، ۲۰۱۰). اگرچه راه‌های مختلفی برای انتقال و تربیت اخلاقی در این کشور وجود دارد، یکی از مهم‌ترین آن‌ها برنامه‌های درسی و معلمان هستند (زو، ۲۰۰۴). در نتیجه مؤسسات آموزش عالی نقش بسیار مهمی در آماده‌سازی نسل جوان برای آینده دارند؛ آن‌ها می‌توانند با آموزش رفتار افراد را هدایت کنند (یانلینگ، ۲۰۱۵؛ ۴). در نتیجه با این ایدئولوژی تربیت اخلاقی نشاءت گرفته از کمونیست را به جوانان انتقال می‌دهند، هوچین تائو دبیر کل کنگره ملی حزب کمونیست چین بیان می‌کند که ما باید بر اساس اصول اساسی تربیت همه‌جانبه انسان، در وهله اول باید در آموزش عالی به تربیت اخلاقی او به‌عنوان عنصر مؤثر در جامعه بپردازیم و در وهله بعد بایستی این تربیت مبتنی بر نیازهای اجتماعی حاضر چین باشد (ژان جان ما، ۲۰۱۰). از این لحاظ دانشگاه‌ها از لحاظ تاریخی یکی از مراکز مهم نوسازی ساختار سوسیالیسم با آرمان‌هایی چون صداقت، اعتماد، نظم و انضباط هستند؛ بنابراین در جامعه سوسیالیستی چین دانشجویان باید نمونه‌های خوبی در رعایت اخلاق اجتماعی در سطح جامعه، صداقت، احترام به افراد بزرگ‌تر و عشق به کودکان باشند (یانلینگ، ۲۰۱۵) بنابراین دانشگاه با استفاده از استراتژی کمونیسم همه‌جانبه سعی در بهبود کیفیت تربیت اخلاقی در بین افراد تحصیل کرده دانشگاهی می‌نماید.

### رویکرد معاصر ایران نسبت به تربیت اخلاقی

امروزه، مهم‌ترین دغدغه تربیتی کشور ایران، به‌عنوان یک جامعه اسلامی دستیابی به الگوی اسلامی تربیت اخلاقی است. در واقع در ایران یک نگاه نظام‌مند و سامانمند به اخلاق مطرح است، زیرا نگاه فردی در حقیقت نگاه جزیره‌ای است که گاه می‌تواند مجموعه‌ای از آموزه‌های متضاد و حتی متناقض را کنار هم گردآورد (محمدی، ۱۳۹۴). ویژگی شاخص‌های رویکرد دینی و اسلامی این است که متکی به خدامحوری، معنویت‌گرایی، عقل و فطرت است. مصباح یزدی

1. Zhigang
2. Zhu
3. Yanling
4. Zhanjun Ma

در این باره می‌گوید: به‌جای اطلاق رویکرد دینی یا اسلامی به تربیت اخلاقی بایستی به آن به‌عنوان نظام منسجم اخلاقی نگریست؛ زیرا نظام به مجموعه‌ای از عناصر مربوط به هم که به دنبال هدف و یا کارکرد خاصی هستند، اطلاق می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۲)؛ و این نوع اخلاق ویژگی‌هایی دارد که عبارت‌اند از:

همه عرصه‌های حیات آدمی را دربرمی‌گیرد در واقع به همه ابعاد وجودی انسان توجه دارد و تمامی روابط انسان را تحت پوشش هدایت اخلاقی خود می‌دهد.

تکالیف اخلاقی اسلامی قابل‌اجراست و از سخت‌گیرهای طاقت‌فرسا به دور است.

منابع اخلاقی اسلامی غنی و گسترده است و قرآن کریم سرچشمه زاینده معارف اخلاقی است و سیره عملی زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت عصمت و طهارت تفسیر گویایی بر آیات نورانی قرآن هستند که شرایط و چگونگی تطبیق معارف کلی اخلاق اسلام بر موقعیت‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی را آموزش می‌دهند.

از دیگر ویژگی‌های اخلاق اسلامی، قابلیت تطبیق آن با شرایط زمانی و مکانی مختلف است که این مشخصه از برجسته‌ترین جنبه‌های اخلاق اسلامی است، چراکه هر اخلاقی در صورتی پاینده و برقرار می‌ماند که بتواند نیازهای اخلاقی انسان‌ها را در هر عصر و مکانی پاسخ دهد.

یکی دیگر از ویژگی‌های اخلاق اسلامی این است که مسیر رشد اخلاقی را برای همه انسان‌ها به‌طور مساوی می‌گشاید و این ویژگی ناشی از انسان‌شناسی اسلامی و تربیت اسلامی است که شرایط سنی، محیطی و معرفتی افراد را در نظر می‌گیرد و متناسب با آن پاداش و کیفر را مطرح می‌کند. از این‌روست که هیچ فردی هیچ‌گاه نمی‌تواند شرایط سنی و یا محیطی خود را بهانه‌ای برای سستی در مسیر کمال قرار دهد چراکه در نظام فقهی و اخلاقی اسلام هر فرد در شرایطی تکلیف خاص خود را دارد که متناسب با امکانات و توانایی‌های مربوط به همان شرایط است. در نتیجه همه انسان‌ها در هر برهه زمانی و مکانی می‌توانند به‌سوی کمال حرکت کنند اگر تکالیف اخلاقی خویش را با خلوص نیت انجام دهند (فتحعلی‌خانی، ۱۳۹۱).

اخلاق اسلامی با جهان‌بینی خود ارتباط ناگسستنی دارد و مفاهیم ارزشی موردقبولش نیز از آن نشأت می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ج یک).

۲. تشابهات و تفاوت‌های موجود در رویکردهای تربیت اخلاقی در کشورهای مورد مطالعه از آنجایی که در موضوع اخلاق در طی اعصار مختلف، مکاتب و دیدگاه‌های بسیار متعدد و متنوعی از سوی اندیشمندان و فیلسوفان شرق و غرب پدید آمده است یادآوری وجوه افتراق و اشتراک آنان، مرئبان تربیت اخلاقی را یاری می‌دهد که آسیب‌ها را شناسایی و راه‌های پیشگیری و درمان را شناسایی و طبقه‌بندی کنند.



### الف. وجوه افتراق

اخلاق در اندیشه ایرانی اسلامی متکی به ایمان به خدا است، زیرا انسان معتقد است که خداوند متعال در سه احوال حاضر و ناظر اعمال او بوده و همیشه در خلوت، جلوس و باطن یک پلیس مخفی مراقب اعمال و رفتار و کردار و حتی پندار اوست. آفریننده‌ی همه آثار خداست، ما از سوی او هستیم به سوی او بازمی‌پایه‌ام و هدف آفرینش، تکامل انسان در جنبه‌های معنوی است و پیشرفت‌های مادی تا آنجا که راه را برای وصول به تکامل معنوی هموار می‌سازد نیز هدف معنوی محسوب می‌گردد، بنابراین معیار اخلاق از این دیدگاه تمام صفات و افعالی است که انسان برای پیمودن این راه آماده می‌سازد و نظام ارزش‌گذاری در این مکتب نیز محور ارزش‌های والای انسانی و کمال معنوی و قرب به خداست (مکارم شیرازی: ۶۱/۱)؛ و بر اساس میزان درجات و مراتب انسان‌ها برای آنان برنامه و اصول اخلاقی خاصی طراحی شده است. در آمریکا تربیت اخلاقی در حقیقت به‌عنوان یک اصل مدنی است که از جامعه گرفته می‌شود و درصدد پاسخگویی به نیاز جامعه است.

اما هدف از تربیت اخلاقی در چین دو چیز است؛ نیازهای اجتماعی و نیازهای فردی؛ در زمینه نیازهای فردی تربیت اخلاقی باید به افراد کمک کند تا نیازهای شخصی خود را شناسایی کنند و درصدد برآورده کردن آن برآیند و هدف از تربیت اخلاقی در سطح نیازهای اجتماعی هماهنگی با دیگران در سطح اجتماع است.

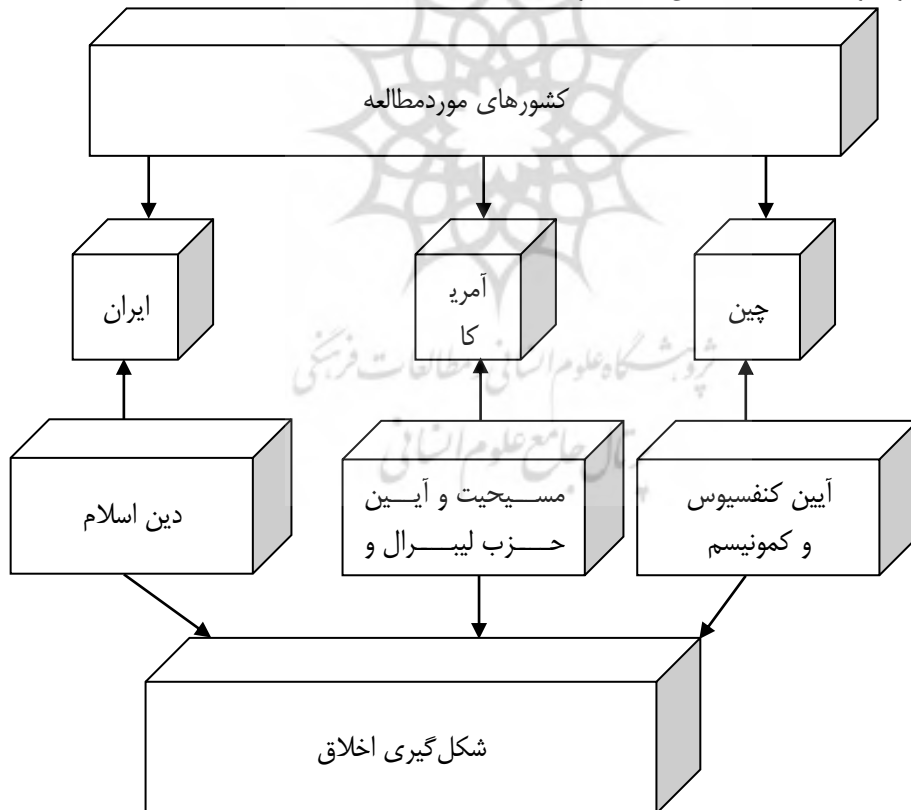
کشور	وجوه افتراق
ایران	کمال معنوی و قرب الهی اصلی اساسی، مطلق بودن معیارها و اصول اخلاقی، قائل شدن عقل و فطرت برای آدمی، طراحی برنامه و اصول اخلاقی بر اساس مراتب انسانی
آمریکا	اصل مدنی برگرفته از جامعه، وابسته به تمنیات انسانی، ماهیت انسان‌گرایی و نسبی بودن اخلاق از نظر لیبرالیسم و سکولارها، تأکید با عقل‌گرایی محض و اصالت عقل در انسان، مطلق بودن اخلاق از نظر آیین مسیحیت
چین	نیازهای فردی و اجتماعی، نسبی بودن اخلاق در مذهب کمونیسم و مطلق بودن آن از نظر آیین کنفوسیوس

شکل شماره ۱: وجوه افتراق شکل‌گیری اخلاق

### ب. وجوه اشتراک

وجه اشتراک سه کشور مورد مطالعه به‌نوعی ارتباط تربیت اخلاقی با دین و مذهب موردعنایت آنان است. در ایران اسلامی که قرب الهی هدف نهایی است نظام اخلاقی اسلام با محور قرار

دادن خداوند به تمامی ارتباطات مناسب و مفید، به مثابه ارتباط انسان با خدا، با خلق، با خود، خانواده، جامعه و حتی روابط بین‌الملل، توجه شده است. و تمامی مسائل زندگی انسان تحت پوشش ارزش‌های اخلاقی اسلام قرار دارد؛ و اخلاق و تربیت اخلاقی بدون اتکا به شناخت خداوند و ایمان به او چرخش در یک سری امور ذهنی و بی‌معنا است. در آمریکا نیز بین مذهب و تربیت اخلاق ارتباط وجود دارد، به‌طور مثال روش حزب محافظه‌کار با حزب لیبرال در آموزش اخلاقی بسیار متفاوت است. حزب لیبرال، اعتقادی به دخالت نظام آموزشی در امور دینی ندارد. در نتیجه به ارزش‌هایی چون آزادی فردی، خود شکوفایی فردی در تربیت اخلاقی، بی‌طرفی و تساهل نسبت به ارزش‌های دینی و در یک کلمه، تحقق سکولاریسم تأکید دارد؛ و تربیت اخلاقی تنها باید درصدد رشد استدلال اخلاقی و قدرت انتخاب باشد و هرگز به معرفی ارزش‌های معینی به‌عنوان فضایل اخلاقی نپردازد؛ اما در کشور چین همان‌طور که گفته شد تربیت اخلاقی برگرفته از آیین کنفوسیوس و کمونیست است. اخلاق در عقیده کمونیست امری نسبی بوده و در حقیقت، انعکاس اسباب تولید است.



جدول شماره ۲: نقش دین و مذهب در شکل‌گیری اخلاق

### نقاط ضعف و قوت تربیت اخلاقی در کشورهای مورد مطالعه

تفاوت در روش‌ها و رویکردهای تربیت اخلاقی، ناشی از تفاوت در پارادایم‌های مربوط به هر رویکرد است (سجادی، ۱۳۷۹).

کشورهای غربی، به‌رغم اینکه فضایل اخلاقی در میان آن‌ها، کم‌رنگ و سست‌بنیان است، اما کتاب‌های فراوانی درباره علم اخلاق و فلسفه اخلاق نگاشته‌اند. به‌ویژه رشته فلسفه اخلاق در دانشگاه‌های آن‌ها، رشته‌ای پرطرفدار و پرجاذبه است و اخیراً نیز تحقیقات بسیار گسترده و مهمی در این زمینه انجام داده‌اند؛ با این وجود در حل مسائل فلسفه اخلاق، توفیق چندانی نداشته، ابهامات و سردرگمی‌های فراوانی در این مورد دارند. ظهور مکاتب متعدد اخلاقی در میان آن‌ها، خود، حکایت از آن دارد که هنوز به مبنایی استوار و محکم برای حل مسائل این رشته دست نیافته‌اند. از طرفی توجه بیش‌ازاندازه به پیشرفت مادی و رفاه شخصی و لذت‌جویی حاکی از دور شدن آنان از باورهای اصیل دینی و اصول کلاسیک اخلاقی است. مثلاً قریب به اتفاق ثروتمندان بزرگ و قدرت‌مداران دنیا هیچ‌گونه پای بندگی به اخلاق ندارند و محرک جنگ‌ها و آدم‌کشی‌ها و آوارگی‌ها و فقر و فلاکت‌های جمعیت کثیری از مردم دنیا هستند.

یکی از نقاط بسیار خوب و مثبت چین در زمینه اخلاق و تربیت اخلاقی با وجود کمونیستی بودن، بهره‌گیری از آیین کنفوسیوس در این زمینه است؛ چراکه بر این اساس افراد بسیار تابع قانون هستند؛ اما آنچه به‌عنوان نقطه ضعف اطلاق می‌گردد؛ این خود فرد است که باید ارزش‌های خود را برگزیند و اخلاقیات خاص خویش را پی‌ریزی کند، هیچ ارتباطی بین واقعیت‌ها و ارزش‌ها وجود ندارد و شکاف عمیقی بین این دو برقرار است.

در ایران، ضمن اینکه تاکنون، زمینه‌ها و شرایطی برای توسعه اخلاق در سطح نهادی و دانشگاهی صورت گرفته، اما همچنان خلأهای بسیاری در سطح عمل به آن دیده می‌شود؛ اختلاس‌های کلان و نابرابری‌های اجتماعی، کم‌رنگ شدن حجب و حیا در ایران حاکی از عدم اجرای درست روش‌های تربیت اخلاقی اسلامی در سطوح دانشگاهی و حرفه‌ای است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مطالعه تطبیقی رویکردهای سه کشور (ایران، چین و آمریکا) و بیان نقاط ضعف و قوت هر کدام در زمینه تربیت اخلاقی نشان می‌دهد که یک مدل و رویه خاص و روشی در این زمینه ارائه نشده است و هر رویکردی در سامان‌دهی بخشی از زندگی بشر نقش ایفا می‌کند و نتوانسته‌اند به تمام زوایای آدمی به‌صورت یکجا توجه کنند؛ نابسامانی‌ها و سردرگمی‌های بشر امروز نمونه‌ای از این آشفتگی‌هاست. موضع‌گیری‌های مختلف آموزش عالی در خصوص اخلاق و اتخاذ روش‌های متفاوت آن نیز حاکی از این امر است.

با وجود این واقعیت و پیشینه بسیار قوی اسلام در تربیت اخلاقی، متأسفانه امروزه در ایران اسلامی تربیت اخلاقی چه در سطح تعلیم و تربیت عمومی و چه در سطح آموزش عالی بر اساس دیدگاه‌های نظریه‌پردازان و دانشمندان غربی پایه‌ریزی می‌شود که این امر حاکی از عدم شناخت کافی مسئولین امر از مبانی و مؤلفه‌های اسلام ناب محمدی و روش‌های اجرای آن است. لذا برای احیای اخلاق اسلامی در سطوح دانشگاهی باید قرآن و آموزه‌های اخلاق اسلامی را به‌طور مستقیم با رفتارهای جامعه تطبیق داد و با استفاده از الگوی قرآن، به یک جامعه مطلوب اخلاقی در عصر فن‌آوری اطلاعات و دانش در آموزش عالی دست پیدا کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

۱. آرمنند، محمد (۱۳۸۷). «طراحی الگوی مطلوب تربیت اخلاقی در دوره متوسطه بر اساس نقد الگوی تربیت منش»، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *مبانی اخلاق در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)*، جلد ۱۰، قم: اسراء. [akhlagh.net](http://akhlagh.net)
۳. جهانگیر زاده، محمدرضا (۱۳۹۰). «دیدگاه‌های شناختی تحولی در رشد اخلاقی»، فصلنامه معرفت اخلاقی. شماره ۴. ص ۱۰۱-۱۲۲.
۴. زارعان، محمدجواد (۱۳۹۱). «بررسی تطبیق رابطه تربیت دینی و تربیت اخلاقی با نگرش اسلامی» (با تأکید بر نقش اسلام در تبیین مبانی، اصول و روش‌ها و تربیت اخلاقی). موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
۵. سجادی، سید مهدی (۱۳۷۹). «رویکردها و روش‌های تربیت اخلاقی و ارزشی»، مجله پژوهش‌های فلسفی - کلامی، شماره ۳. صفحه ۱۶۵-۱۴۴.
۶. فتحعلی خانی، محمود (۱۳۹۱). *آموزه‌های بنیادین علم اخلاق*، ج ۱، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۷. محمدی، مسلم (۱۳۹۴). *هویت‌یابی و کارکرد شناسی نظام اخلاقی اسلام*. [www.mohammadi.ir](http://www.mohammadi.ir)
۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۲). *اخلاق در قرآن*. کتابخانه دیجیتال موسسه آل البيت (ع): <http://www.alulbayt.com/farsi/book1.htm>
۱۰. میر شاه جعفری، ابراهیم و کلباسی، افسانه (۱۳۸۳). «دیدگاه برنامه درسی اخلاق مدار با تکیه بر پرورش منش»، مجله معرفت اخلاقی، شماره ۱، ص ۱۹۴-۱۷۱.
۱۱. میلر، جی. پی، نظریه‌های برنامه درسی (۱۳۹۴). ترجمه محمود مهر محمدی، تهران: سمت
۱۲. وجدانی، فاطمه؛ محسن ایمانی، رضا اکبریان و رضا صادق‌زاده (۱۳۹۳). «بررسی انتقادی سه دیدگاه رایج تربیت اخلاقی بر اساس دیدگاه علامه طباطبائی»، فصل‌نامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، شماره ۲. ص ۶۵-۴۲.
13. Althof, Wolfgang & Berkowitz, Marvin, 2005, *Moral education and character Education: their Relationship and Roles in citizenship Education*. University of Missouri- Journal of Moral Education. 35 (4) pp495-518.
14. Beland, Kathy, 2003, *Eleven Principles Sourcebook* washington, D,C, Character Education
15. Deborah J. Erie, 2013, *The Role of General Education in the Development of Ethical Reasoning in College Students: A Qualitative Study on the Faculty Perspective*. University of Nebraska-Lincoln.
16. Faresi, Mohammad Imam, 2013, *Challenges and Models for Moral Education in the Digital Era*. ISSN 1302-6488, Volume: 14, Number: 4, Article 1,3.
17. Ikemoto taku, 1696, *moral education in japan*, Implications for American

schools. www.hi-ho.ne.sp

18. Jeremy I. M. Carpendale, 2000, *Kohlberg and Piaget on Stages and Moral Reasoning*. Simon Fraser University. Developmental Review 20, 181°205.

available online at <http://www.idealibrary.com>.

19. Kohlberg, L, 1980, "*Stages of moral development as a basis for moral education*" In B. (Ed.), *Moral development, moral education, and Kohlberg: Basic issues in philosophy, psychology, religion and education*. Birmingham Ala.: Religious Education Press.pp.15-98

20. Moral Education, 2016, *A Brief History of Moral Education, The Return of Character Education*, Current Approaches to Moral Education, <http://education.stateuniversity.com>.

21. Nakayama, Osamu, 2012, *Globalization and the Need to Reconstruct*.

22. *Moral Education in Higher Education*. University of Birmingham.

23. Sloan, D, 1980, "*The teaching ethics in the American undergraduate curriculum*", In D, Callahan and S. Bok (Eds.), *Ethics teaching in higher education*, pp. 1-57. New York: Plenum Press.

24. Yanling,Zhang, 2015, *Analysis and Discussion on Chinese College Students' Moral Characteristics and Its Countermeasures*. Social Sciences. Vol.03 No.03. ID:54450,4 pages.

25. Zhu, Xiaoman and Liu Cilin, 2004, *Teacher training for moral education in China*, Journal of Moral Education Vol. 33, Iss. 4.

26. Zhu, Xiaoman, 2006, "*moral education and value education in curriculum reform in china*", Higher education press and springer ° verlarg. p.191-200.

27. Zhanjun Ma, 2010, "*Exploration into Construction of Moral Education in Colleges and Universities in a New Period*", Asian Social Science. Vol. 6, No. 7.

28. Zhigang, Zhang, 2010, *The Development of Moral Education in China*. Shanghai Education.